

اهداف عدالت سیاسی

از منظر قرآن کریم

سید کاظم سیدباقری *

بتول ملاشفیعی **

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۱۵

چکیده

عدالت سیاسی به عنوان یکی از عناصر کلیدی در اندیشه سیاسی اسلام، ارزشی است که با فراگیر شدن آن، امور جامعه، در پیوند با قدرت، به تناسب در جای خود، قرار می‌گیرد و حقوق شهروندان به شایستگی ادا می‌شود. طبعاً بررسی اهداف آن به شفافیت و رمزگشایی دقیق آن با دیگر مکاتب می‌انجامد، آن سان که مکاتب مختلف، اهداف متفاوت برای عدالت تعریف می‌کنند. نوشته حاضر در پی پاسخ به پرسش اهداف عدالت سیاسی از منظر قرآن کریم است و با توجه به آن که در نگره اسلامی، تشکیل حکومت، به هدف دستیابی به عدالت است و همین ارزش، راهبر جامعه اسلامی به سوی سعادت می‌باشد، با به کارگیری برخی از توانمندی‌های روشی تفسیر اجتهادی، در فرضیه بر این امر تأکید شده است که اهداف عدالت سیاسی را می‌توان در امری چون ایجاد بسترهای رشد جامعه، توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌ها و ایفای حقوق شهروندان جستجو کرد، اهدافی که راهبر انسان در جهت رسیدن به کمال و سعادت می‌گردد.

سپهر سیاست

سال سوم
شماره نهم
پاییز ۱۳۹۵

کلیدواژه‌گان: اهداف، حقوق شهروندان، رشد، عدالت سیاسی، قرآن کریم.

* نویسنده مسئول: استادیار، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

رایانامه: sbaqeri86@yahoo.com

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران

درآمد

هدف در لغت، در واقع تعیین مسیر راه و نشانه‌گذاری آن برای رسیدن به مقصد نهایی است؛ هدف همان امری است که فرد در نظر دارد و همه فکر و عمل خویش را به کار می‌گیرد تا به آن دست یابد؛ هدف است که همه رفتارها و هنجارها زندگی جمعی را مشخص می‌کند و آن را تحت تاثیر قرار می‌دهد. هدف به ویژه در گستره سیاسی و آن هم در مقوله‌ای بنیادینی چون عدالت، زندگی را جهت و معنا می‌بخشد. با توجه به همین است که اهداف با توجه به مکاتب مختلف، متفاوت می‌شوند، اگر در مکتبی همه هدف، مادیات و رفاه مادی زندگی باشد، هدف عدالت سیاسی نیز دگرگون خواهد بود؛ اما اگر علاوه بر زندگی مادی، ساحت‌های معنوی زندگی نیز مورد توجه قرار گیرد؛ طبعاً اهداف نیز متفاوت خواهد بود؛ در بحث عدالت سیاسی از منظر قرآن کریم نیز چنین است، که اهداف آن نیز با ارزشهای متعالی و والای قرآنی تعریف می‌شود.

ارسطو مراد و هدف حکومت را «به زیستی» می‌داند و بر این باور است که هدف حکومت فراهم آوردن زمینه و بسترهای مناسب برای دستیابی به زندگی خوب می‌باشد (ارسطو، ۱۳۸۱: ۱۲۵). در مباحث و اندیشه‌ورزی‌های اندیشوران مسلمان، همواره بحث از عدالت، به عنوان هدف بعثت انبیاء و نظام اسلامی (حدید، ۲۵)، مطرح بوده، اما ادبیات عدالت، به ویژه عدالت سیاسی و اهداف آن کمتر مورد توجه بوده است. آن چه که بوده، معمولاً بحث از اهداف حکومت، طرح شده است. فهم هدف یک ارزش یا پدیده، ما را یاری می‌کند تا به جوهره و سرشت آن دست یابیم؛ بنابراین تامل در اهداف عدالت که به عنوان یکی از اهداف عمده نظام سیاسی اسلامی به شمار می‌آید، می‌تواند راهگشای فهم زوایای گونه‌گون آن باشد و ما را به هسته مرکزی آن راه برد.

این نوشته در پی پاسخ به این پرسش است که اهداف عدالت سیاسی از منظر قرآن کریم، کدام است، و در فرضیه بر این امر تاکید شده است که اهداف عدالت را می‌توان در اموری چون ایجاد بسترهای رشد جامعه، توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌ها و ایفای حقوق شهروندان جستجو کرد، اهدافی که راهبر انسان در جهت رسیدن به کمال و سعادت می‌گردد. این هدف با روش تفسیر اجتهادی پی‌گیری



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست

سال سوم
شماره نهم
پاییز ۱۳۹۵

می‌شود، در این روش، تامل و تدبیر در آیات همراه با مددگیری از روایات تفسیری و دیگر شواهد معتبر تفسیری، مورد توجه است، آن گونه که گاه ممکن است، فرد برای کشف لایه‌های مفهومی و معنایی قرآن، مطالعه شبکه‌وار آیات و مفاهیم مرتبط را نیز در روش خود لحاظ کند تا اندکی از روابط چندلایه و پیچیده آشکار و پنهان آنها را دریابد. روشی که فهمنده را از فروغلتیدن در دام تفسیر به رای می‌رهاند. می‌توان گفت، اجتهاد در تفسیر، کوشش برای فهم و تبیین معانی و مقاصد آیات بر اساس شواهد و قراین معتبر است.^۱

مفاهیم و تمهید نظری

چیستی عدالت سیاسی

عدالت سیاسی^۲ یکی از شاخه‌های عدالت اجتماعی به شمار می‌آید، سیاست به قدرت، چگونگی توزیع آن و نسبت آن با مردم و حاکمان می‌پردازد، با حضور عدالت سیاسی می‌توان از وجود توازن، اعطای حقوق سیاسی، رعایت قانون و توزیع مطلوب قدرت میان شهروندان سخن به میان آورد. در این قلمرو، بسترهای لازم برای مشارکت فعالانه و آزادانه افراد در امور سیاسی فراهم می‌شود و آزادی‌های گوناگون برای تحقق حق بیان، حق انتقاد، تشکیل اجتماعات، حق انتخاب شدن و حق انتخاب کردن، به وجود می‌آید و شهروندان در اظهار دیدگاه خود، دارای مصونیت سیاسی می‌باشند. در عدالت سیاسی دو امر بایسته است؛ نخست، قانون در جهت برآورده ساختن خواسته‌ها و لوازم آزادی برابر که باید عادلانه باشد و دوم این که نظام به نحوی چارچوب‌بندی شود که نسبت به همه سامانه‌های عادلانه ممکن، به یک نظام قانون گذاری عادلانه و کار آمد منجر شود (راولز، ۱۳۷۸: ۳۴۲). برخی دیگر بر این باورند که عدالت سیاسی، آن است که

۱. علی اکبر بابایی؛ مکاتب تفسیری؛ ج ۲، تهران: انتشارات سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۳۸۱،

2. political Justice

امور کشور به نحو شایسته اداره شود تا مردم در یک فضای عادلانه به زندگی خود ادامه دهند. برخورداری از برابری، آزادی، امنیت و آسایش، به عنوان حقوق طبیعی افراد جامعه، تأمین کننده این فضای عادلانه خواهد بود (آشوری، ۱۳۸۳: ۲۰۷). آن سان که برخی به وجود تعادل مناسب تاکید دارند (مک لین، ۱۳۸۱: ۲۵۴).

در این نوشته، منظور از عدالت سیاسی ارزشی است که با فراگیر شدن آن، امور جامعه، در پیوند با قدرت، به تناسب در جای خود، قرار می‌گیرد و حقوق شهروندان به شایستگی ادا می‌شود؛ با عدالت سیاسی، بستر «انتخاب شهروندان» و «محدودیت قدرت»، فراهم و مسیر جامعه برای رسیدن به «حقوق سیاسی» گشوده می‌شود.

تشکیل حکومت، به هدف عدالت

در دوره معاصر هر یک از مکاتب و اندیشه‌ها هدفی خاص برای عدالت تعریف کرده‌اند، برای نمونه در لیبرالیسم، هدف عدالت، آزادی است، بالاترین هدف، رسیدن به بیشترین آزادی است؛ با توجه به این بنیاد اندیشگی، آزادی وسیله رسیدن به یک هدف سیاسی متعالی تر نیست، بلکه فی نفسه عالی‌ترین هدف سیاسی است (آربلاستر، ۱۳۷۷: ۸۲). افراد از توانایی تصمیم‌گیری مستقل و انتخاب آزادانه برخوردارند و به این خصوصیت منحصر به فرد آن‌ها باید حرمت نهاده شود. به همین نحو، افراد از حق بازنگری در اعتقادات و شیوه زندگی خود نیز برخوردارند. شرایط مناسب برای تحقق این حقوق وقتی فراهم می‌شود که فرد، آزاد گذشته شود. (چاندوک، ۱۳۷۷: ۱۱۴) اما هدف عدالت در مکتب سوسیالیسم که رو در روی لیبرالیسم است؛ گسترش هر چه بیشتر برابری است و این برابری را نیز به طور غالب در عرصه اقتصادی می‌بیند؛ تجربه حکومت‌های سوسیالیستی در همین راستا چنین بوده که با توجه به قدرت متمرکز دولت، سر از استبداد و خشونت درآورده و در نهایت، تقسیم برابر ثروت نیز عملی نشد (Routledge Library of 20th Century Economics: p.12).

در اندیشه سیاسی اسلام و از نظرگاه علی(ع) هدف از حکومت در راستای عدالت و امنیت ستم‌دیدگان و برپایی حدود الهی تعریف می‌شود:



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال سوم
شماره نهم
پاییز ۱۳۹۵

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافِسَةً فِي سُلْطَانٍ وَ لَا اِتِّمَاسَ شَيْءٍ مِنْ فُضُولِ
 الْخَطَاةِ وَ لَكِنْ لِنَرِدَ الْمَعَامِلَ مِنْ دِينِكَ وَ نُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ
 وَ تُقَامَ الْمُعْطَلَّةُ مِنْ حُدُودِكَ (سیدرضی، ۱۴۲۷: ۱۸۹)

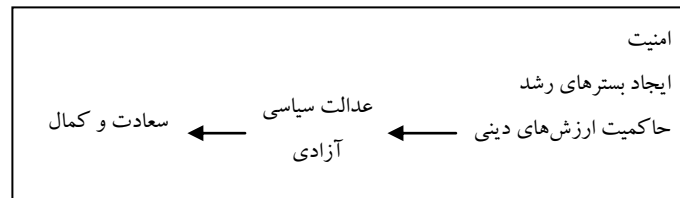
بار خدایا تو آگاهی که تلاش و پیکار ما نه از آن روی است که به پایگاه
 قدرتی برسیم و یا چیزی از کالای بی ارج دنیا را به چنگ آوریم بلکه بدان
 جهت است که نشانه‌ها و پرچم‌های دین تو را برافرازیم و در شهرهای تو
 اصلاح و شایستگی را پدید آریم تا بندگان ستم‌دیده تو، ایمن شوند و حدود
 تعطیل شده تو اقامه گردد.

چنین است که در اندیشه شیعی، هدف حکومت با عدالت تعریف می‌شود و
 حکومتی که ستم کند از مشروعیت می‌افتد و حق اعمال قدرت ندارد، پس تاکید
 می‌گردد که حق حکومت از آن کسی است که عدل ورزد: «الحق لمن عدل».

عدالت، هدف راهبر به سوی سعادت

به ژرفایی که بنگریم، در منظر اندیشه سیاسی برآمده از قرآن کریم، عدالت
 سیاسی، هدف میانه نظام سیاسی اسلام به شمار می‌آید که می‌تواند زمینه‌های خیر،
 رشد و کمال را در جامعه فراهم کند؛ در اندیشه و منطق قرآنی، این هدف، سطحی
 بالاتر می‌یابد که همانا رساندن آدمی به سعادت در پرتو مفاهیم قرآنی است، پس
 امنیت، بسترساز ایجاد رشد حاکمیت ارزش‌های دینی است، آرامش و امنیت، به ما
 یاری می‌دهد تا در مسیر عدالت سیاسی و آزادی گام برداریم و این دو زمینه
 پویایی جامعه به سوی سعادت را فراهم می‌کنند.

اهداف عدالت
 سیاسی از منظر
 قرآن کریم
 (۲۴ تا ۲۷)



به بیان دیگر، فراگیری عدل، فراگیری ارزشها است برای پویایی انسان به سوی
 رشد و نور. «عدل، هدف نهایی رسالت پیامبران نیست. قرآن کریم عدل را برای
 مردم میانه حال به عنوان رسالت قلمداد می‌کند اما برای انسانهای سالک، هدف

اصلی آن است که پرده‌های تاریکی را بدرند و راهی به نور بگشایند. لذا میان «انسان عادل» و «انسان نورانی» تفاوت بسیاری است. انسان عادل، عدل را برپا می‌دارد، زیرا این کار را وظیفه خود می‌شمارد. اما انسان نورانی خود سرچشمه عدل است و عدل از او جلوه‌گر می‌شود.» (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۲۱۱) نزدیکی به خداوند آن گاه به دست می‌آید که صفات الهی در انسان جلوه‌گر شود، یکی از صفات الهی، عدل است و انسانی که بخواهد به جایگاه قرب الهی برسد، باید این صفت را در خویش پدید آورد، طبیعی است که گاهی این ویژگی فردی است که تنها حیطه‌ای کوچک و محدود را شامل می‌شود و گاه عرصه‌ای اجتماعی و سیاسی را در بر می‌گیرد که می‌تواند مقدمات رشد و پویایی یک جامعه را فراهم سازد. در این بحث می‌توان چند هدف مورد توجه قرار داد که زمینه‌های پویایی جامعه و حرکت از بالقوه به بالفعل و «شدن» استعدادهای انسان را فراهم کند، تلاش می‌شود تا به اختصار برخی از این اهداف بررسی شود.

ایجاد بسترهای رشد جامعه

یکی از بنیادی‌ترین اهداف عدالت سیاسی آن است تا بسترهای رشد و پیشرفت سیاسی جامعه در عرصه‌های مادی و معنوی فراهم شود، بسترهایی که یاری‌گر انسان برای رسیدن به جایگاه شایسته خود است. انسان دارای سرشتی اجتماعی است؛ جامعه، قدرت و حاکمیت سیاسی اگر بستر و زمینه‌ای مطلوب فراهم آورد، استعدادهای او شکوفا می‌گردد و به رشد هماهنگ با مفهوم دقیق قرآنی خواهد رسید. اما اگر حکومت یا جامعه‌ای فاسد و گمراه باشد، رسیدن به کمال و پویایی برای او بسیار سخت خواهد بود. یکی از اساسی‌ترین سازکارهای پی‌ریزی جامعه مطلوب و ایجاد بسترهای رشد در جامعه، عدالت سیاسی می‌باشد. عدالتی که فرایند سنجیده و دقیق قدرت سیاسی را در جامعه مورد توجه قرار می‌دهد، حقوق شهروندان را به رسمیت می‌شناسد و برای رسیدن هر فرد به آن حقوق، برنامه‌ریزی می‌کند و مهم‌تر از همه آن که زمینه حضور فعالانه و مسئولانه شهروندان را فراهم می‌کند و شایستگان و صالحان در مصدر قدرت قرار گیرند. عنصری که می‌تواند، گامی اساسی برای رشد و شکوفایی جامعه باشد. طبق دیدگاه بعضی از اندیشمندان



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست

سال سوم
شماره نهم
پاییز ۱۳۹۵

شرط اساسی دینی بودن جامعه، اجرای عدالت است، چرا که با اجرای عدالت است که مقتضیات رشد در جامعه ایجاد می‌شود (حکیمی، ۱۳۷۸: ۱۴۳).
 وقتی که به آیات قرآن کریم می‌نگریم، رسالت و کارکرد قرآن، هدایت به رشد معرفی می‌شود:

فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا* يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ (جن، ۱ و ۲)

اصل در لغت «رشد»، اهتداء و هدایتگری به سوی خیر و صلاح است و ضد ضلالت است؛ آن گونه که «غی» به معنای فرورفتن در فساد است (مصطفوی، ۱۲۷۹: ۱۳۹). در لغت آمده است که رشد، نقیض «غی» و گمراهی است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۴۲) در مفردات راغب نیز همین معنا ذکر شده است که «رشد» در معنای هدایت استعمال می‌شود (الراغب الاصفهانی، ۱۳۷۳: ۳۵۴). رشد در اصطلاح به معنی لیاقت و شایستگی برای نگهداری و بهره‌برداری از امکانات و سرمایه‌هایی است که در اختیار انسان قرار دارد (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۳۳). در المیزان می‌خوانیم که رشد به معنای هدایت و راهبری به سوی نجات (طباطبائی، ۱۳۶۰: ۲۶۵) و هدایتگری به سوی مطلوب است (طباطبائی: ۲۶۴).

با توجه به همین نکته است که بر اساس آموزه‌های قرآن، رهبران و انبیای الهی که مهم‌ترین ویژگی آنان عدالت‌ورزی است، دارای نقش رشد و هدایت‌گری هستند، فرد پس از آن که به آن درجه عالی برسد، می‌تواند ارشاد جامعه را به دست گیرد؛ آن گونه که حضرت موسی (ع) نیز از حضرت خضر (ع) طلب می‌کند تا راهبر او باشد، چرا که آن چه به ایشان تعلیم شده است، دارای رشد و صلاح می‌باشد:

قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَيْتَكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا (كهف، ۶۶)

موسی به او گفت: «آیا از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو تعلیم داده شده و مایه رشد و صلاح است، به من بیاموزی؟»

درباره حضرت ابراهیم در قرآن کریم می‌خوانیم که:

وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ (انبیاء، ۵۱)

و در حقیقت، پیش از آن، به ابراهیم رشد [فکری] اش را دادیم و ما به [شایستگی] او دانا بودیم.

علامه طباطبایی می‌نویسد که رشد به معنای اصابت به واقع است که تجلی آن

اهداف عدالت
سیاسی از منظر
قرآن کریم
(۲۴ تا ۲۷)

در حضرت ابراهیم، هدایت‌گری تام و فطری اوست به سوی توحید و سایر معارف و آموزه‌های حق (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۹۷).

رشد و آگاهی او با توجه به آیات بعد، نشان از ایفای نقش در جامعه دارد؛ زیرا او به هنگامی که جواب غیر منطقی قوم خود را شنید که می‌گفتند:

قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ (انبیاء، ۵۳)

گفتند: «پدران خود را پرستندگان آنها یافتیم.»

خطاب به آنان فرمود:

قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (انبیاء، ۵۴)

گفت: «قطعاً شما و پدرانتان در گمراهی آشکاری بودید.»

از دیگر سو می‌دانیم، حضرت ابراهیم که رشد در حد عالی و در همه زمینه‌ها دارد، دارای جایگاه امامت است، امامتی که شرط آن عدالت و عدم ظلم در همه ساحت‌های فردی و اجتماعی است که در آن به مقام عصمت می‌رسد؛ خداوند می‌فرماید:

وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ (بقره، ۱۲۴)

و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود و وی آن همه را به انجام رسانید، [خدا به او] فرمود: «من تو را پیشوای مردم قرار دادم.» [ابراهیم] پرسید: «از دودمانم [چطور]؟» فرمود: «پیمان من به بیدادگران نمی‌رسد.» همچنین، ایمان آورنده قوم موسی نیز به مردم سفارش می‌کند تا با پیروی از او به رشد و هدایت دست یابند:

وَ قَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ (غافر، ۳۸)

ای قوم من! مرا پیروی کنید تا شما را به راه درست و رشد هدایت کنم.

پس بر اساس آیات قرآن کریم، راهبر جامعه، عادل است و دارای رشد. هنگامی که این ساحت از شخصیت امام در جامعه حضور می‌یابد، می‌تواند زمینه‌ساز رشد سیاسی - اجتماعی گردد؛ حضرت ابراهیم(ع) با توجه به ویژگی هدایتگری خود، جامعه را به سوی رشد، افزایش آگاهی و کاربست توانمندی‌ها و فعلیت‌بخشی به آنها، هدایت می‌کند. اثر نمودار رشد، شکفتگی استعدادها، آرامش و تصمیم برای



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست

سال سوم
شماره نهم
پاییز ۱۳۹۵

پیشبرد هدفها و حاکمیت بر غرائز، عادات، انگیزه‌ها و انفعال‌های نفسانی می‌باشد (طالقانی، ۱۳۶۲: ۷۲). این شکفتگی و پیشرفت در جامعه‌ای که فاسد باشد و حاکمان، ظالمانه رفتار کنند، به دست نمی‌آید یا کمتر حاصل می‌شود. با عدالت، بستر رشد و عزتمندی فراهم می‌شود و به تعبیر سیدقطب، امتی که کریم و عزتمند است، ممکن نیست که در آن، فردی، سرکشی کند. هرگز یک شخص، نمی‌تواند در میان امتی رشید و آگاه، طغیان کند، امتی که پروردگار خویش را می‌شناسد و به او ایمان دارد (سید قطب، ۱۴۰۸: ۳۸۱۶).

همچنین به روایت قرآن، در جبهه مخالف نیز می‌دانیم که فرعون و فرعونیان، دارای رشد و آگاهی نیستند؛ قدرت‌محوران، استبداد و خودمحوری را پی‌ریزی می‌کنند؛ در کلام الهی از یک سو بیان می‌شود که موسی (ع) را با آیات و حجت آشکار به سوی فرعون و پیرامونیانش فرستادیم و در ادامه تاکید می‌کند که فرعون به عنوان مظهر حاکمیت طاغوت و قدرت فاسد، امر رشیدانه نداشت:

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَ سُلْطَانٍ مُّبِينٍ * إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِكِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَ مَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ (هود، ۹۶)

ما، موسی را با آیات خود و دلیل آشکاری فرستادیم * به سوی فرعون و اطرافیانش اما آنها از فرمان فرعون پیروی کردند، در حالی که فرمان فرعون، مایه رشد و نجات نبود!

هر چند می‌دانیم با توجه به خودخواهی و خودبینی مستبدین، آنان تنها خود را صاحب رشد و فهم معرفی می‌کنند و چنین القا می‌کنند که مردم را به رشد راه می‌برند:

قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَ مَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ (غافر، ۲۴)

فرعون گفت: «جز آنچه می‌بینم، به شما نمی‌نمایم، و شما را جز به راه راست راهبر نیستم».

بنابراین با حضور عدالت آن هم به ویژه در عرصه رهبری سیاسی - اجتماعی، جامعه، مناسب‌ترین زمینه‌های رشد و کمال انسانی و بهترین راهی که انسان‌ها را به مقصد می‌رساند، فراهم می‌شود؛ جامعه عادلانه، زندگی سعادت‌مندانه به همراه می‌آورد، مطهری نقل می‌کند که ابوعلی سینا، فراگیر شدن عدالت در میان مردم را زندگی سعادت‌مندانه در دنیا می‌داند (مطهری، ۱۳۶۶: ۱۵). در حالی که در جامعه

اهداف عدالت
سیاسی از منظر
قرآن کریم
(۲۴ تا ۲۷)

ظالمانه و مستبدانه، اصولاً جامعه به گمراهی رفته، فضا و بستر برای رشد و آگاهی فراهم نمی‌شود و حتی افراد آگاه به حاشیه و انزوا کشانده می‌شوند. «انسان، خلافت را در زمین بر عهده گرفت تا در مسیر اطاعت از خداوند، عدالت را میان خلق اقامه کند. وقتی خود از این حق بهره نمی‌گیرد، آثار آن در تعدی و تجاوزها بارز می‌شود» (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۲۸۶). هدف مطلق و نهایی دین، نورانی شدن انسان‌ها و رسیدن آنان به شهود و لقاء الله و دارالقرار است و از این رو، قیام مردم به قسط و عدل «لیقوم الناس بالقسط» (حدید، ۲۵) و حتی عبادات، همگی اهداف نسبی و متوسط دین هستند. مسائل عبادی و سیاسی، وسائلی برای رسیدن فرد و جامعه به آن هدف نهایی می‌باشند و همگی صراط و راهند و راه، هیچ‌گاه نمی‌تواند هدف نهایی باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۳۳۴)

در جوامع عادلانه، آزادی نیز وسیله و مسیری می‌شود تا جامعه را در فرایند رشد و کمال، یاری دهد، امری که در قرآن جایگاهی بلند دارد، عدالت، مفهومی جامع و دربرگیرنده است که به همراه خویش، آزادی را نیز دارد. حتی اجرای عدالت و امنیت عمومی به همراه خود فرایندی را می‌آورد که مردم آزادانه از حقوق اجتماعی خود برخوردار می‌شوند و به بالاترین مراحل قرب الهی می‌رسند.

توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌ها

غالباً در بحث از عدالت، توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌ها، جایگاهی ثابت و همیشگی دارد، فارابی بر این امر تاکید دارد که افراد مدینه باید بهره‌ای مساوی و یکسان از منافع و خیرات عمومی داشته باشند و خروج از آن ستم است؛ او آغاز عدل را توزیع خیرات مشترک برمی‌شمارد:

العدل اولاً یكون فی قسمة الخیرات المشتركة التي لاهل المدينة علی جمیعهم (فارابی، ۱۹۶۱: ۱۴۲).

در نگره اسلامی، بخشی از این بحث، برادرانه و اخلاقی است، خداوند در قرآن کریم بر این امر تاکید دارد که:

وَأَتَوْهُمْ مِّن مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ (نور، ۳۲)

مقداری از مال خداوند که به شما داده است، به فقراء بدهید.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست

سال سوم
شماره نهم
پاییز ۱۳۹۵

و بخشی از آن، وظیفه دولت اسلامی تا زمینه‌های توزیع عادلانه را فراهم کند، در آیه‌ای دیگر به صراحت آمده است که باید از اموال جامعه به نیازمندان تعلق گیرد و در میان آن پخش شود تا آن اموال به شکل انحصاری در اختیار توانگران قرار نگیرد:

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسْكِينِ وَ
ابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ (حشر، ۷)

آنچه خدا از دارایی ساکنان آن قریه‌ها عاید پیامبرش گردانید، از آن خدا و از آن پیامبر او و متعلق به خویشاوندان نزدیک وی و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است، تا میان توانگران شما دست به دست نگردهد.

همچنین در اقتصاد اسلامی بر همکاری و از خود گذشتگی تاکید شده است، «مطلوب نهایی اسلام در توزیع، مواسات و ایثار است. مقصود از مواسات، شرکت دادن دیگران در اموال خویش است به گونه‌ای که گویا همه، اعضا یک خانواده می‌باشند و تلاش می‌کنند که نیازهای یکدیگر برطرف نمایند» و بخشی از این امر هم، رسمی و در اختیار دولت اسلامی است که به نظر می‌رسد، وظیفه‌ای اساسی است. در عرصه سیاسی نیز بحث از عدالتی است که قدرت و فرصتها و امکانات برآمده از آن به تساوی در میان مردم، تقسیم شود. چرا که انبیای الهی امر به عدل شده‌اند؛ لازمه دستور الهی و اجرایی کردن آن، توزیع عادلانه امکانات و فرصتها است.

مطهری با توجه به کلامی از حضرت محمد صلی الله علیه و آله که می‌فرماید:

استووا تستو قلوبکم و تماسوا تراحموا (متقی هندی، ۱۹۷۹: ۶۲۳)

معتدل و هم سطح باشید و در میان شما ناهمواری‌ها و تبعیض‌ها وجود نداشته باشد تا دل‌های شما به هم نزدیک شود و در یک سطح قرار بگیرد.

به این نکته اشاره می‌کند که اگر در کارها و موهبت‌ها و نعمت‌های خدا بین شما شکاف و فاصله افتاد، بین دل‌های شما قهرا فاصله می‌افتد، آن وقت دیگر نمی‌توانید همدل و همفکر باشید و در یک صف قرار بگیرید. قهرا در دو صف قرار خواهید گرفت (مطهری، ۱۳۵۸: ۹۰).

در دوران غیبت، تجلی این عدالت در جامعه سیاسی، توزیع سامانمند و عادلانه

قدرت و مظاهر آن، می‌باشد. اگر توزیع قدرت در عرصه سیاست به درستی اجرا گردد، عدالت، بسیاری از اجزای جامعه را دربرمی‌گیرد. در تعریف عدالت سیاسی اشاره کردیم که قدرت در سرشت و هسته مرکزی سیاست، نقش بازی می‌کند، هدف این گونه عدالت نیز آن است که این قدرت و فرصتهای مرتبط با آن را درون سازکاری سنجیده در میان همه شهروندان توزیع کند.

ویژگی ستم آن است که امور را از جای شایسته خویش بیرون می‌کند، امکانات و فرصتها را ناعادلانه در اختیار تعدادی محدود قرار می‌دهد؛ اما با توجه به آن که همه انسانها در قرآن کریم، در اصل خلقت مساوی می‌باشند؛ لذا اصل اولی آن است که در پیوند با قدرت، همه بهره‌ها و فرصتها به طور مساوی در اختیار همه شهروندان قرار گیرد. در مولفه‌ها و شاخص‌های عدالت که به آن خواهیم پرداخت، مشارکت شهروندان در فرایند قدرت، حق انتخاب، تعیین سرنوشت و دستیابی به جایگاههای سیاسی برای همه شهروندان به طور مساوی، وجود دارد. هدف عدالت در این عرصه آن است تا حق پیشینی افراد نسبت به قدرت ستانده شود و قدرت در دست افراد، قوم یا سلسله خاصی ثابت و متمرکز نماند و عادلانه در میان کسانی که شایسته قدرتمندی و قدرت‌ورزی‌اند، توزیع و تعدیل شود، رقابت منصفانه برای گرفتن قدرت، به رسمیت شناخته شود.

ایفای حقوق شهروندان

در اصل این بحث که عدالت چیست، بحث‌ها و کشمکش‌های بسیاری وجود داشته است و دارد و توافقی قطعی بر سر آن حاصل نشده است، اما به نظر می‌رسد که همه دانشوران به ویژه اندیشوران مسلمان بر این امر تکیه داشته‌اند که یکی از مولفه‌های بنیادین عدالت، احقاق حقوق است؛ در تعریف مشهور عدالت از علی(ع) نیز بر این مفهوم تاکید شده است:

اعطاء كل ذي حق حقه (سید رضی، ۱۴۲۷: ۱۷۱).

به هر صاحب حقی، حقش را عطا کردن.

صاحب تفسیر مجمع البیان در ذیل این آیه قرآن کریم که می‌فرماید:

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُتْسِلِينَ (بقره، ۲۵۲)



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست

سال سوم
شماره نهم
پاییز ۱۳۹۵

اینها است آیات خدا که به راستی آن را بر تو می‌خوانیم و به راستی تو از جمله پیامبرانی.

باز بر مفهوم حق تاکید می‌کند و به معنایی از حق اشاره می‌کند که بسیار نزدیک به معنای عدالت است، هر چند که مساوی با آن نیست؛ وی تاکید می‌کند که الحق هو وقوع الشيء موقعه الذي هو له من غير تغيير عنه (طبرسی، ۱۳۷۰: ج ۲، ۶۲۱). حق، واقع شدن امر در جایگاهی است که برای آن نهاده شده است، بدون تغییر و دگرگونی.

در برپایی و احقاق حقوق سیاسی - اجتماعی که زمینه رسیدن جامعه به عدالت است، بحث از توزیع مساوی مسئولیت شهروندی، تساوی شهروندان در برابر قانون، بی طرفی محاکم عدالت و سهم مساوی در مزایا و امتیازات مطرح است. مطهری با اشاره به این تعریف مشهور می‌نویسد که حتی اگر معنای عدالت «توازن» باشد، باز از معنای حق، بیرون نیست. زیرا توازن اجتماع به این است که حقوق همه افراد و حق اجتماع رعایت بشود، (مطهری، ۱۳۷۳: ۳۳۰ و ۳۲۹) شاید با توجه به همین معنا بوده است که برخی بر این باورند که برای عدل می‌توان دو مفهوم خاص و عام در نظر گرفت، یکی رعایت حقوق دیگران و دیگری انجام دادن کار حکیمانه که رعایت حقوق دیگران هم از مصادیق آن می‌باشد (مصباح یزدی، ۱۳۷۲: ۱۹۳). به هنگامی که از «سیاست» و حضور عدالت در آن سخن گفته می‌شود، بحث از «حق» و «حقدار» و «حق داشتن» مطرح می‌شود. علامه طباطبایی بر این باور است که اثر عدالت، دادن هر صاحب حقی، حق اوست و اگر از حد اعتدال در آید و به سوی افراط و زیاده‌روی، برود، «ظلم» است و اگر به سمت «تفریط» رود، «انظلام» و ظلم‌پذیری (طباطبایی، ۱۴۰۵: ۱۲۴). آن گونه که در تعریف عدالت آوردیم، احقاق حقوق شهروندان در هسته مرکزی عدالت وجود دارد و لذا یکی از اهداف عدالت سیاسی آن است که شایستگان و حقداران به تناسب، به حقوق خویش برسند. در قرآن کریم نیز یکی از اساسی‌ترین آیاتی که دلالت بر عدالت در عرصه سیاسی - اجتماعی دارد، حکایت از ایفای حقوق و داوری به حق دارد؛ خداوند می‌فرماید:

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ (نساء، ۱۰۵)

اهداف عدالت
سیاسی از منظر
قرآن کریم
(۲۴ تا ۲۷)

ما این کتاب را به حقّ بر تو نازل کردیم، تا میان مردم به [موجب] آنچه خدا به تو آموخته داوری کنی.

این آیه به ما نشان می‌دهد که هدف اساسی کتاب قرآن و رسالت پیامبران الهی، حکم راندن عادلانه بر اساس احکام الهی است.

در آیه‌ای دیگر نیز آمده است که خداوند همراه با رسولان الهی کتاب به حق نازل فرمود:

أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ (بقره، ۲۱۳)

با آنان، کتاب [خود] را بحق فرو فرستاد، تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند، داوری کند.

هدفی که دولت به دنبال آن، قاعده وضع می‌کند در ایجاد و چگونگی مفاد آن بسیار مؤثر است و در واقع رهبر و رهنمای اوست، به همین جهت باید اعتراف کرد که شناختن مبانی حقوق جز با تشخیص هدف آن امکان ندارد (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۳۵۷). با توجه به این امر، یکی از اهداف انبیاء الهی بر اساس آیات قرآن کریم، عدالت است، همان که راهبر و راهنمای قانون‌گذار و کارگزار حکومت می‌شود، پس در پرتو آن، قوانین جهت‌گیری می‌شوند و برای اجرای آنها در جامعه تلاش می‌گردد.

مردم سرزمینی که به حقوق اجتماعی خویش می‌رسند، در پرتو عدالت، از بهره‌هایی چون پیشرفت مطلوب، امنیت و آزادی، برخوردار می‌شوند و به جامعه‌ای سالم و معتدل، دست می‌یابند، آن سان که عدالت و آزادی هماهنگ با فطرت، می‌تواند بندهای ستم اجتماعی را باز کند و به سوی اجرایی کردن فرمانهای الهی گام بردارد. ویژگی بنیادین چنین جامعه‌ای، به رسمیت شناختن حقوق شهروندی و احقاق حق می‌باشد، وصفی که آن را پویا و سالم می‌سازد.

جمع‌بندی و برخی نتایج

در این نوشته تلاش بر آن بود تا اهداف عدالت سیاسی بررسی گردد، با توجه به ادبیات و منطق قرآن کریم، این اهداف را می‌توان در مواردی چون ایجاد بسترهای رشد جامعه اسلامی، توزیع عادلانه امکانات و فرصتها و احقاق حقوق



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست

سال سوم
شماره نهم
پاییز ۱۳۹۵

شهروندان جستجو کرد، هر چند ادعای حصر منطقی در این حوزه، معنا ندارد، اما به نظر می‌رسد که این اهداف، بیشتر عرصه‌های عدالت سیاسی را دربرمی‌گیرد و گشایش‌گر مسیرهای هدفمند خواهد بود. در ادامه، به برخی از نتایج بحث اشاره می‌شود:

۱. وقتی که به عدالت سیاسی می‌پردازیم، یعنی به این امر می‌اندیشیم که چگونه افراد در نسبت با قدرت سیاسی، در جایگاه شایسته و بایسته خود قرار گیرند، چگونه عدالت در همه سطوح اجرایی و عملیاتی شود؛ مانند عدالت در قانونگذاری؛ در ساختار و نظام سیاسی و عدالت در میان کارگزاران؛ زیرا که نبود دادگری در هر یک از این موارد، موجب ناکامی جامعه در رسیدن به اهداف خود می‌شود؛ اگر قانون عادلانه باشد اما ساختار و نظام عادلانه نباشد؛ همواره کسانی سامانه قدرت را در نظام به دست می‌گیرند که شاید چندان باوری به عدالت نداشته باشند، طبعاً قانون هم در این زمان، در چنبره و خدمت حاکمانی قرار می‌گیرد که صرفاً آن را برای سوء استفاده خویش، می‌خواهند؛ اگر قانون و ساختار، عادلانه باشد، اما کارگزار حکومتی، عادل نباشد، باز هم جامعه، مشکل خواهد داشت؛ زیرا تا باور به عدالت، در جان و سرشت حاکمان، نهادینه نشده باشد؛ همواره راه برای فرار از قانون، دور زدن نظام و لگدمال کردن حقوق سیاسی - اجتماعی دیگران وجود دارد. لذا در عدالت که هر چیز، جای خود قرار می‌گیرد؛ همه ابعاد و ساحت‌های زندگی سیاسی را در نظر دارد؛ نگاهی جامع و ساختاری که هم شهروندان به حقوق فردی خود می‌رسند و هم، جامعه، به حقوق سیاسی - اجتماعی خود. لذا با سامان یافتن قدرت در جامعه، خیر همگانی به دست می‌آید؛ طوری که جان، مال، نسل، عقل، دین و حقوق سیاسی شهروندان، حفظ شود.

۲. عدالت، ارمغان‌آور تناسب و تعادل در برنامه‌ها و تصمیم‌های سیاسی برای جامعه است، «تناسب» یعنی هر کس به میزانی که شایستگی دارد، به حقوق سیاسی خود دست می‌یابد و «تعادل»، با توجه به اصل لغت «عدالت»، یعنی جامعه‌ای به دور از افراط و تفریط و احساسات بی پایه. این چنین سیاست

اهداف عدالت
سیاسی از منظر
قرآن کریم
(۷ تا ۲۴)

و جامعه‌ای رفتاری عقلایی و سنجیده در پیش می‌گیرد و به «امه وسط» (بقره، ۱۴۳) نزدیک می‌شود که قرآن کریم از آن یاد می‌کند و جامعه اسلامی را به آن وصف، می‌ستاید.

۳. عدالت هدف حکومت، شاخص رفتار کارگزاران، هدایت‌گر رهبران و تنظیم‌کننده روابط میان شهروندان و دولت است که هیچ‌گاه نباید فراموش شود. در چنین رویکردی است که دادورزی هیچ‌گاه ترک نمی‌شود، پس خداوند به مسلمانان امر می‌کند که حتی نسبت به دشمن، عادلانه، رفتار کنند:

وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ (مائده، ۸)

و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نورزید. عدالت ورزید که آن به تقوا نزدیکتر است.

۴. بر پایی عدالت در قرآن به صراحت بیان شده و با «لام» غایت و تعلیل یادآوری گشته است: «ليقوم الناس بالقسط» (حدید، ۲۵). پس مجتهد باید در استنباطهای خود در این جهت حرکت کند، پس او باید به دو امر مهم توجه تام داشته باشد: ۱. این که احکام استنباطی باید همه در جهت تحقق «ليقوم الناس بالقسط» باشند، و نه تنها معارض با آن هدف و از بین برنده زمینه‌های تحقق آن نباشند، بلکه بر عکس زمینه‌ساز تحقق آن هدف اصلی باشند، یعنی ساختن جامعه «قائم بالقسط». ۲. این که هر حکمی که برای تحقق آن هدف لازم است، در مورد موضوعات مختلف، و تاکنون استنباط و عرضه نشده است، استنباط و عرضه کند (حکیمی، ۱۳۷۳: ۷۵).



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست

سال سوم
شماره نهم
پاییز ۱۳۹۵

کتابنامه

- قرآن کریم
- ابونصر فارابی (۱۹۶۱)، فصول المدنی، تحقیق: م. دنلوپ.
- ارسطو (۱۳۷۱)، سیاست، ترجمه: حمید عنایت، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- آشوری، داریوش، (۱۳۷۳)، دانش نامه سیاسی، تهران: نشر مروارید، چاپ سوم.
- آنتونی آربلاستر (۱۳۷۷)، لیبرالیسم غرب، ترجمه: عباس مخبر، تهران: نشر مرکز، اول.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹)، فلسفه حقوق بشر، قم: نشر اسراء.
- ----- (۱۳۸۷)، حق و تکلیف در اسلام، قم: نشر اسراء.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۷۳)، احکام دین و اهداف دین، قم: فصلنامه نقد و نظر، شماره ۱.
- ----- (۱۳۷۸)، جامعه سازی قرآنی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، اول.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۶۳)، درآمدی بر اقتصاد اسلامی، اول،
- الراغب الاصفهانی (۱۳۷۳)، المفردات فی غریب القرآن، تهران: المکتبه المرتضویه، ۱۳۷۳ق.
- راولز، جان، (۱۳۷۸)، نظریه عدالت، ترجمه: محمد کمال سروریان، مرتضی بحرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی واجتماعی،
- سید رضی (۱۴۲۷)، نهج البلاغه، قم: دار الهجرة للنشر.
- سید قطب (۱۴۰۸)، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق.
- طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲)، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، چهارم.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۶)، نهایه الحکمه؛ قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، سیزدهم.
- ----- (۱۴۱۷)، تفسیر المیزان، بیروت: موسسه الاعلمی

اهداف عدالت
سیاسی از منظر
قرآن کریم
(۲۴ تا ۲۷)

للمطبوعات، الطبعة الاولى.

- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰)، مکارم الاخلاق، قم: شریف رضی.
- الفراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۴)، العین، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، فلسفه حقوق، تهران: چاپخانه بهمن.
- متقی هندی (۱۹۷۹)؛ کنز العمال؛ بیروت: مؤسسه الرساله.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۲)، آموزش عقاید، تهران: نشر سازمان تبلیغات اسلامی، نهم.
- مصطفوی، حسن، (۱۳۷۵)، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۶)، هدف زندگی، قم: انتشارات اسلامی.
- ----- (۱۳۷۳)، انسان کامل، قم: انتشارات صدرا، یازدهم.
- ----- (۱۳۷۳)، بیست گفتار، تهران: صدرا.
- ----- (۱۳۷۷)، امدادهای غیبی در زندگی بشر، تهران: انتشارات صدرا، دهم.
- مک لین، ایان؛ فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد؛ ترجمه: حمید احمدی، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۱
- نیرا چاندوک (۱۳۷۷)، جامعه مدنی و دولت، ترجمه: فریدون فاطمی، تهران: نشر مرکز.
- Routledge Library of 20th Century Economics (200), *Socialism and the Market: The Socialist Calculation Debate Revisited*. 8 February 2000. p. 12.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست

سال سوم
شماره نهم
پاییز ۱۳۹۵